

عنوان مقاله:

از سوپزکتیویسم کانت تا پرسپکتیویسم نیچه

محل انتشار:

دوفصلنامه فلسفه و کلام، دوره 52، شماره 2 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 14

نویسندگان:

فاطمه عابدی - دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد

جهانگیر مسعودی - استاد دانشگاه فردوسی مشهد

خلاصه مقاله:

در این مقاله سعی بر آن است تا ابتدا با طرح و فهم مدرنیسم و نگاه سوپزکتیویسم در کانت (به عنوان نماینده مدرنیته) در بحث شناخت و سپس گذار آن به پسامدرنیسم و طرح دیدگاه منظرگرایی در نیچه (به عنوان یکی از موسسان پست مدرنیسم) به این نکته مهم و حائز اهمیت اشاره نماییم که هر دو دیدگاه به لحاظ استفاده از نقش فاعل شناسا در عمل شناخت و دریافت حقیقت در مسیری همسو با یکدیگر قرار دارند. هر چند عمل فاعل شناسا در ایده آلیسم عقل‌گرای کانتی (که بر مبنای یکسان سازی عقل نزد همه انسان‌ها استوار است و این خود ایده ای ارسطویی است) به نظریه شناخت مطلق؛ هم در نقد عقل نظری و هم در نقد عقل عملی منجر می شود، اما در نیچه، از دل همان فاعل شناسا و با نگرش منظرگرایی، به نسبیت و پلورالیسم خواهیم رسید. این بدین معنا است که در فلسفه نیچه، منظر و خاستگاه اندیشه در هر سوژه، سازنده شناخت های متکثر این سوژه ها است و مهم‌ترین مصالح تشکیل دهنده این منظرها، اراده قدرت است که قانون طبیعی و وجودی هر موجود، از جمله فاعل شناسای انسانی است.

کلمات کلیدی:

کانت، نیچه، سوپزکتیویسم، ایده آلیسم، پلورالیسم، پرسپکتیویسم

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1458598>

